



ابوغریب منطقه‌ای عمومی است که نیمی از آن داخل خاک ایران و محل استقرار یگان‌های مرزی ارتش است

نمی‌توانست به این حد از پیشرفت و تکامل برسد. در حقیقت همه ملت ایران مدیون یگان خنثی‌سازی هستند، چون اگر صادرات نفت مختل می‌شد و این صنایع وابسته بودند زندگی همه ما دچار اختلال می‌شد. مامی توانیم ادعا کنیم اگر بحث تحریم و بازی‌های سیاسی مطرح نبود، قابلیت یگان‌های مادر زمینه خنثی‌سازی مین، در همه نقاط دنیا در جایگاه نخست و ضریبی بالاتر از ۹۵ درصد که استانداردهای آن است قابل عرضه بود. این یگان از سال ۶۷ تا امروز موفق به کشف و خنثی‌سازی و انفجار ۳۵۰ هزار مین ضد نفر، ۳۸۰ هزار گلوله عمل‌نکرده در کالیبرهای مختلف و ۴۸۵ هزار گلوله ضد خودرو و ضدتانک شده است که این همه با تقدیم ۶۲ شهید و ۱۷۵ جانباز در مناطق پاکسازی خوزستان همراه بوده که سندی بر جان برکفی این دلیر مردان است.

قرارگاه مرزی و مجاهدت مرزبان‌ها بازدید از قرارگاه‌های مرزی و مهمان‌نوازی‌های گرم آنها که غالباً با صرف ناهار همراه بود خیلی از نادانسته‌های ما را به اموری ملموس تبدیل کرد که شاید اگر به چشم نمی‌دیدیم باورش سخت بود. یکی از این قرارگاه‌های مرزی در منطقه فکه واقع شده است. فکه‌ای که همه ما آن را با رمل‌هایش و سید شهدای اهل قلم، سیدمترتضی آوینی می‌شناسیم. در حقیقت این نقطه محل هجوم نیروهای سازمان منافقین در زمان جنگ و دیدگاه آنها محسوب می‌شد. منافقین به افتخار رهبرشان، نام زن او را روی این دیدگاه نظامی گذاشته بودند.

این قرارگاه هنوز هم یکی از فعال‌ترین یگان‌های مرزی است، چرا که چاه فکه، موضوعی که همین چند وقت پیش موضوع مناقشه ایران و عراق شد نزدیک این قرارگاه است. به گفته سرهنگ اسماعیلی که راوی مادر سفر بود وضعیت طوری شده بود که در محل این چاه، هر روز پرچم‌های ایران و عراق دست به دست می‌شد. یعنی تازمانی که نیروهای مادر آن اطراف بودند، پرچم ما بالا بود و وقتی می‌رفتند، عراقی‌ها پرچمشان را بالا می‌بردند. حتی گاهی فرمانده پایگاه خودش با موتور به اینجا می‌آمد و پرچم عراق را پایین می‌آورد. وقتی از سرهنگ راجع به سرنوشت این چاه می‌پرسیم، با غرور می‌گوید: این چاه جزو خاک ماست و مال ما. در انتهای حکومت پهلوی، انگلیسی‌ها یک میدان نفتی در اینجا کشف کردند و از طرف دولت عراق، اقدام به حفاری یک چاه برای استخراج نفت کردند. این چاه هنوز به بهره‌برداری نرسیده بود که جنگ میان ایران و عراق آغاز شد و موضوع به فراموشی سپرده شد. تا اینکه طی دو سال اخیر و بعد از تحرکات آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها، عراق خواستار بهره‌برداری از این چاه شد. شاید اگر نیروهای ارتش در اینجا

اسم ابوغریب که می‌آید؛ اولین چیزی که به ذهن متبادر می‌شود زندانی مخوف در عراق است که محل شکنجه بسیاری از شیعیان بوده و تا زمان تجاوز آمریکا به عراق و بعدتر هم فعال بوده است. غافل از اینکه در حقیقت ابوغریب نام منطقه‌ای عمومی است که از قضا قسمتی از آن داخل خاک ایران است و محل استقرار یکی از یگان‌های مرزی ارتش. شاید بتوان یکی از مهم‌ترین مناطق متمرکز در بحث آموزش مین‌روبی و تخریب در ارتش را همین منطقه ابوغریب دانست. ساخت یک میدان مین مجازی و مانور مین‌روبی در ابوغریب، محسناً زیادی داشت؛ آشنایی با وسایل مین‌روبی اعم از تجهیزات ایمنی و شناسایی، نحوه کشف و خنثی کردن و در نهایت یک انفجار کنترل شده برای درک این نکته که خنثی‌کننده مین، آخرین سرمایه‌اش، یعنی جان خود را برای حفظ جان دیگران به میدان آورده است.

زوایای پنهان این عملیات نفس‌گیر در انتهای سفر با توضیحات امیر سرتیپ دوم عبدالکریم همتی گویا شفافیت بیشتری پیدا کرد. می‌گفت: «از اوایل سال ۶۷ کار پاکسازی میادین مین از سوی وزارت کشور رسماً به عهده ارتش گذاشته شد. استان‌های درگیر میادین مین و مواد منفجرنده فعال عبارت از تمامی استان‌های مرزی غرب مانند ایلام، کرمانشاه، کردستان و خوزستان بودند که البته بیشترین آلودگی در استان خوزستان به چشم می‌خورد.»

هر چند بحث تخریب و خنثی کردن مین، از زمان جنگ و به خصوص عملیات ثامن الائمه آغاز شده بود، ولی در واقع بعد از جنگ بود که این کار اولویت‌بندی پیدا کرد و در سه سطح، کار آغاز شد: ۱. پاکسازی مناطق مسکونی ۲. مناطق کشاورزی و بالاخره مناطقی که قابلیت اجرای طرح‌های صنعتی در آن وجود داشت. علت این اولویت‌بندی کاملاً واضح است: مردم بعد از جنگ تمیمی رفته‌رفته به محل سکونت خود باز می‌گشتند و باید امنیت آنها به لحاظ پاک بودن سکونتگاه، اعم از خانه و خیابان و... از هر نوع مواد منفجره تأمین می‌شد. دومین نکته بعد از اسکان، تأمین امنیت شغلی آنها بود. با توجه به اینکه اکثر ساکنان این مناطق کشاورز بودند، باید زمین‌های کشاورزی از وجود هر نوع مین پاک می‌شد. اولویت سوم پاکسازی زمین‌هایی بود که قابلیت پیاده‌سازی طرح صنعتی داشت. این کار هم‌زمان با پاکسازی زمین‌های کشاورزی انجام می‌گرفت. گسترش پایگاه آبادان و پروژه‌های نفتی آزادگان و یسارآوران و حفاری‌های نفتی و گازی در این مناطق، یا طرح نیشکر جنوب، از ثمرات این پاک‌سازی‌هاست.

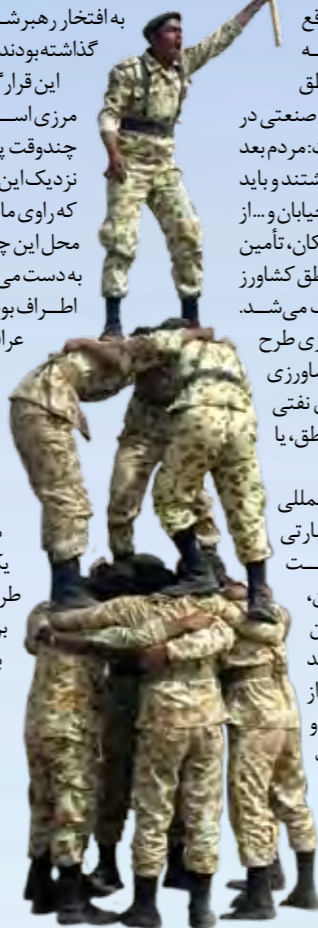
مهم‌ترین تفاوت کار ارتش با همه سازمان‌های بین‌المللی مدعی در زمینه پاکسازی، سرعت و ایمنی بالاست. به عبارتی تحویل یک منطقه که به انواع مواد منفجره و مین آلوده است در کمترین زمان ممکن و مهم‌تر، تضمین ۱۰۰ درصد آن، از شاهکارهای مهندسی ارتش به شمار می‌رود. بالاترین آماری که بزرگ‌ترین کشورهای مدعی مطرح می‌کنند ۹۵ درصد است، در حالی که ما بعد از حصول اطمینان از پاک بودن منطقه، تا عمق ۶ متری زمین را اشخیم می‌زنیم و ضریب اطمینان خود را به ۱۰۰ می‌رسانیم. اگر این ضریب وجود نداشت، هیچ‌گاه شرکت‌های حفاری نمی‌توانستند به فعالیتشان ادامه بدهند و صنایع پتروشیمی ما هم

یکی از تکاوران نیروی زمینی پرچم ایران را بر فراز دکل انسانی که هم‌قطارانش ساخته بودند برافراشت

دیدن دستاوردهای ارتش در مناطق جنوبی کشور، جایی که نام ما مظهر نام ما و ننگ دشمنانمان بود، آن هم بعد از این سال‌هایی که از جنگ تحمیلی می‌گذرد جالب است. شاید در نظر کسانی ارتش تنها با اسلحه‌اش قابل تصور باشد، یا گمان کنند وقتی جنگی نیست، نیاز چندانی هم به نیروهای مسلح به خصوص ارتش نخواهد بود. اما چنین نیست. شاید تغییر نگاه رسانه‌ای و مهم‌تر از آن اجتماعی به این موضوع ضروری باشد. لاف‌های این چیزی است که در اعزام گروهی از خبرنگاران رسانه‌ها به مناطق عملیاتی با میزبانی نیروی زمینی ارتش در نیمه دوم اسفند ۱۳۸۸ و در فاصله چند روز مانده به عید دستگیر آنها شد. در این مختصر، بخش‌هایی از فعالیت‌های ارتش در مناطق عملیاتی جنوب به فرآخور دیدار از این مناطق مرور شده‌اند

گزارشی از بازدید خبرنگاران رسانه‌ها از مناطق عملیاتی ارتش در جنوب

در خطه جنگاوران



گسترش پایگاه آبادان و پروژه‌های نفتی آزادگان و یسارآوران و حفاری‌های نفتی و گازی در این مناطق، یا طرح نیشکر جنوب، از ثمرات پاکسازی میدان‌های مین است



یکی از خطرناک‌ترین و مهم‌ترین کار ارتش در مناطق مرزی پاکستانی میدان‌های مین است



تکاوران نیروی زمینی ارتش عملیات پل را برای شرایط سخت جنگی و یا امداد رسانی تمرین می‌کنند



حضور نداشتند، رفته‌رفته این قطعه از خاک ما به نفع آنها مصادره می‌شد. در نهایت با مذاکراتی که بین وزیر خارجه ما، جناب متکی با همتای خود، هوشیار زبیری انجام گرفت، قرار شد با محاسبات ماهواره ای و نقشه‌های دقیق زمینی، این مناقشه فیصله پیدا کند. طبق بررسی خود آمریکایی‌ها، مشخص شد این چاه ۲۳ متر در داخل خاک ایران قرار دارد و نهایتاً برای همیشه دست بیگانه از این منبع خدادادی قطع شد و ارتش ما به عنوان محافظ تمامیت ارضی ایران، در سطح بین‌المللی سرفراز شد.

بعد از نماز و ناهار، فرمانده گردان ۱۶۵ پیاده مکانیزه، سرهنگ ۲ پیاده الله‌یار فریدونی ما را از قرارگاه مرزی به سمت میدان رزم

طبق بررسی آمریکایی‌ها، مشخص شد چاه فکه ۲۳ متر در داخل خاک ایران قرار دارد و نهایتاً برای همیشه دست بیگانه از این منبع خدادادی قطع شد



دیگر هر وقت اسم فکه می‌آید، علاوه بر رمل‌های روان و آبی، چهره‌های آفتاب‌سوخته و قلب‌های عاشق تکاورانی یادمان خواهد آمد که با صلابت، اقدام بیگانگانی را که قصد سوئی نسبت به خاک کشورمان داشته باشند، در نطفه خفه خواهند کرد.

اروند؛ ۲۴ سال بعد

یکی از اقدامات زیبای ارتش برای نوروز امسال، اعزام افسران زنده‌اش به مناطقی است که زمان جنگ، خود در آنجا حضور داشته‌اند. افسرانی که امروز یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ شفاهی جنگ به حساب می‌آیند و امسال، در کنار راویان بسیج و سپاه، خاطر ایشان را در جمع

مانور نیروهای تکاور گردان ۱۶۵ پیاده مکانیزه از جلوه‌های خاص این بازدید بود



کاروان‌های راهیان نور تعریف می‌کردند. سرگرد مهدی اشتری یکی از این افسران بود که در اروندکنار، از فعالیت بچه‌های پدافند ارتش در عملیات والفجر ۸ و بعد از آن خاطرات تلخ و شیرینی تعریف می‌کرد. او با احساسات تمام، از ناکام کردن هواپیماهای دشمن می‌گفت و این که روز اول استقرارشان ۹ تا ۱۰ فروردین هواپیماهای دشمن را ساقط کرده‌اند. با حرارت از انهدام هواپیمای فوق پیشرفته میراژ می‌گفت و اینکه با ۱۳ گلوله توپ اسکای گارد، چطور این پرنده را که مظهر تکنولوژی غرب بود وادار به شکست کرده‌اند و علاوه بر آن، داستان سرنگونی دو هواپیمای پیشرفته دیگر که تا آن زمان، کسی موفق به زدن آنها نشده بود.

سرگرد مهدی اشتری گفت با ۱۳ گلوله توپ اسکای گارد، هواپیمای میراژ را که مظهر تکنولوژی غرب بود وادار به شکست کرده‌اند